

یادداشت‌هایی درباره نمادهای شیطانی

عبدالله شهبازی

یادداشت اول:

دماوند و فرقه‌های رازآمیز یهودیان دماوند، فراماسونری و نماد ابلیسک

خواب می‌بینم
دماوند گران‌سنگ از میان رفته ست
کوه کوهان
کوه ورجاوند پیروزی
کوه پیشانی بلند آسمان آهنک
از میان رفته ست
و تهی جای عظیمش معبر بادی است پیچنده
(سیاوش کسرای)



گاه می‌اندیشم سیاست‌های نادرست توسعه، همان سیاست‌هایی که اندکی پس از پایان جنگ آغاز شد، و «فرانکنشتین» مخلوق آن، تهران، اسطوره‌های کهن ایرانی را به واقعیت بدل می‌سازد. گویی نیرویی اهریمنی بر تهران می‌دمد که جان‌مایه خود را از «ضحاک» می‌گیرد؛ همان نماد پلیدی که در کوه دماوند، بر فراز تهران، تا «آخرالزمان» در بند است. ایرانیان ضحاک را نکشتند زیرا بر آن بودند که از رجاسات بدن او فساد جهان را خواهد آکند.

در اساطیر ایرانی، ضحاک (اژدها) نماد «ابلیس» است؛ همان‌که امروزه در غرب «لوسیفر» (Lucifer) خوانده می‌شود و پرستندگانی کثیر یافته: «شیطان پرستان». در دوران معاصر، مروج بزرگ این نحله آلیستر گرولی بود که طبق روایت مشهور پدر نامشروع باربارا بوش (مادر بزرگ جرج بوش) است. در سال ۱۹۶۶ آنتون لای «کلیسای شیطان» را در آمریکا بنا نهاد و در ۱۹۶۹ «کتاب مقدس شیطان پرستان» را منتشر نمود.

از منظر شیطان پرستان، «لوسیفر» فرشته مغضوب خداوند است که پیروانش او را «نور» و دشمنانش را «تاریکی» می‌دانند. واژه لاتین «لوسیفر»، به معنی «ستاره صبحگاهی»، نام دیگری است برای ستاره زهره (ونوس). در پاگانیسم رومی، لوسیفر «ژوپیترا» نام داشت و خدای خدایان بود. «ژوپیترا» در یونان باستان «ژئوس» نامیده می‌شد. «ژئوس» نیز به معنی «نورانی» و «درخشان» است. طبق باور شیطان پرستان، سرانجام «لوسیفر» با «ماشی یح» (مسیح) به تعامل و مصالحه خواهند رسید و «مسیح» زمین و زمینیان را در سهم «لوسیفر» قرار خواهد داد. بنابراین، برخلاف آرمان کسانی که به عبث ظهور مسیح (= مهدی در اسلام) را انتظار می‌کشند، در آخرالزمان این «لوسیفر» است که در زمین ظهور می‌کند نه «مسیح». آینده زمین از آن لوسیفر خواهد بود. این اعتقادات عمیق و جدی است و باید جدی‌شان گرفت.

برخلاف باور اساطیری ایرانیان، که دماوند را محبس و در نهایت محل خروج ضحاک («دجال» اسلامی یا «لوسیفر» غربی = نیروی شر و تاریکی) در آخرالزمان می‌دانند، از دیدگاه تتوسوفیست‌ها و نحله‌های رازآمیز ماسونی دماوند مأمن و مخفیگاه «استادان نور» و محل خروج «موعود» و «منجی» ایشان است. از اینرو، دماوند در باورهای ماسونی-یهودی جایگاهی مقدس و برجسته دارد.

بهرام‌شاه نائوروجی شروف (بهرام‌شاه نوروژی صراف)، تتوسوفیست نامدار پارسی (زرتشتی) هند، مدعی است که از هیجده سالگی (۱۸۷۶) سیر و سیاحت خود را آغاز کرد و در مرز هند و افغانستان تصادفاً با گروهی از «زرتشتیان مخفی» آشنا شد که با نام فرقه صوفی «صاحب‌دلان» فعالیت می‌کردند. رهبر فرقه از بهرام‌شاه دعوت کرد که با آنان به مخفیگاه‌شان، غاری در کوه دماوند، رود. بهرام‌شاه با ایشان به ایران و به دماوند رفت، سه سال با آنان در غارشان زندگی کرد، «علم خُشَنوم» را از ایشان فرا گرفت، «اسرار» را آموخت، صاحب «کرامت» شد و حتی قدرت حافظه‌اش به طرز شگفت افزایش یافت. او به بمبئی باز گشت و در اوایل سده بیستم «دعوت» خود را علنی کرد. خورشیدجی کاما و جیوانجی مودی، سرشناس‌ترین ماسون‌های هند که هر دو پارسی بودند، از او حمایت می‌کردند. بر مبنای آموزه‌های بهرام‌شاه در سال ۱۹۱۰ در بمبئی «انستیتوی علم خُشَنوم» تأسیس شد. در این انستیتو چهره‌های نامداری آموزش دیدند که در تحولات هند و ایران مؤثر بودند: فیروز و دین‌شاه شاپورجی ماسانی، فرامرز و جهانگیر سهرابجی چینی‌والا، کاماجی کاما، جمشیدجی شروف، فیروزشاه شروف، م. ایرانی و دیگران.

طبق آموزه‌های «خُشَنوم»، به‌رغم این‌که بهرام‌شاه از «استادان» خود، فرقه «صاحب‌دلان» دماوند، جدا شد ولی این «استادان غیبی» همواره به شکلی مرموز بر او ظاهر می‌شدند و راهنمایی‌اش می‌کردند. «فرقه صاحب‌دلان» مرکب از ۷۲ تن پیروان «دین بهی» است که پس از حمله اعراب و سقوط دولت ساسانی در غاری در دماوند پنهان شدند. آنان تا به امروز زنده‌اند. این غاری ویژه است که در گذشته دور با همین هدف ساخته شد و بیگانگان را به آن راهی نیست. طبق این باورها، بهرام‌شاه ورجاوند، که هر از چند در قالب انسان به زمین بازمی‌گردد، در یکی از «بازگشت»‌هایش در وجود یک نظامی بلندپایه ایرانی زاده می‌شود و رئیس فرقه مخفی دماوند را از مرگ می‌رهاند.

این‌گونه باورهای رازگونه به ظاهر مهمل، ولی معنادار، را مأموران اطلاعاتی بریتانیا نیز رواج می‌دادند. کلنل سیر رابرت یانگهزبند، که در سال ۱۸۷۷ ژنرال شد، در خاطراتش مدعی است: روزی در کوه دماوند شکار می‌کرد، به‌ناگاه دری مخفی یافت، به درون غاری رفت، از سوی «صاحب‌دلان» مورد پذیرایی قرار گرفت، عصر به خانه باز گشت، فردا و روزهای بعد به جستجو پرداخت ولی هیچ نشانی از آن غار نیافت.

درباره علل «تقدّس» دماوند در میان فرقه‌های رازآمیز شیطانی، اعم از فراماسونری و سایر نحله‌ها، دو علت می‌توان

برشمرد:

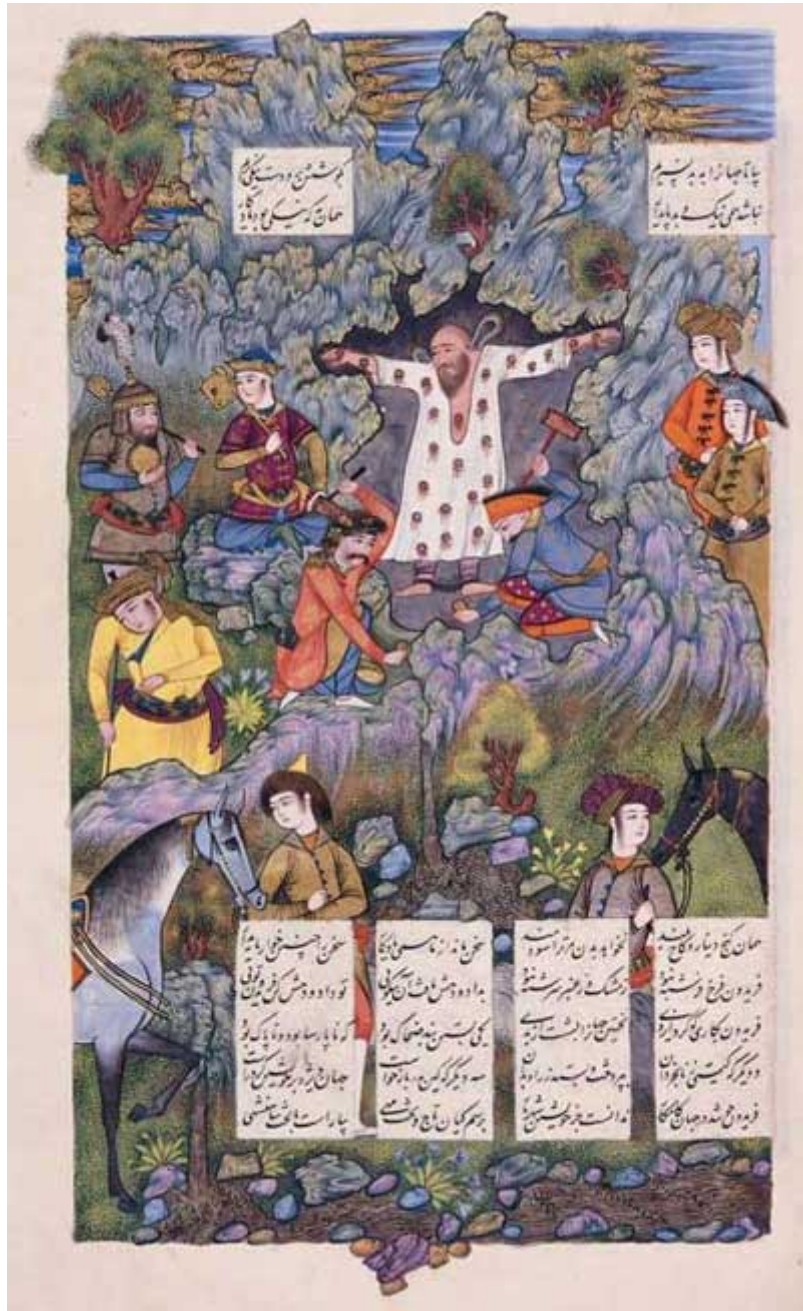
نخست، و مهم‌ترین، قدمت و عمق سکونت یهودیان در دماوند است. در سده هفدهم میلادی دماوند سکنه قابل توجه یهودی داشت و علاوه بر یهودیان علنی، فرقه کابالا و اعضای شبکه یهودیان مخفی «دوئمه» (پیروان شابتای زوی) در دماوند پیروان و مبلغینی برجسته چون شموئیل بن هارون دماوندی داشتند.

به‌نوشته جودائیکا «گورستان و خرابه‌های کنیسه دماوند گواه بر قدمت استقرار یهودیان در این شهر است. در سده هفدهم بابایی بن لطف، مورخ یهودی-ایرانی، از یهودیان دماوند به عنوان یکی از هیجده جامعه یهودی یاد کرده که در جستجوی نسخه‌های کابالایی بودند و قربانی موج گروش اجباری به اسلام شدند. تبلیغات فرقه شابتای [دوئمه] در ایران با نام شموئیل بن هارون دماوندی در پیوند است.» طبق مندرجات تاریخ یهود ایران حبیب لوی، دماوند از مراکز مهم یهودیان ایران بود و گورستان کهن آنان به نام «گیلعاد» پابرجاست. لوی مدعی است که یهودیان دماوند بقایای اسرای بنی‌اسرائیل‌اند که در زمان حمله آشور به گیلعاد (جلعاد) دماوند کوچانده شدند. این ادعا، بر بنیاد منابع معتبر تاریخی، مورد تأیید من نیست. معهدا، بر اساس منابع دوران صفوی، می‌دانیم که دماوند یهودیانی کثیر داشت و بخش مهمی از ایشان در زمان شاه عباس دوم به اسلام گرویدند. منابع یهودی این گروش را «اجباری» می‌دانند و جدیدالاسلام‌های دماوند را از «یهودیان مخفی» می‌خوانند.* حاج نجمیا مروتی، حاج اسماعیل اخوان (یزقل شمعون)، اسحاق یونسی (اسحاق یوحنا)، عزیزالله مروتی و بنیامین یهودا بنیانگذاران مدرسه آلیانس اسرائیلی در دماوند بودند. پس از صدور اعلامیه بالفور (۲ نوامبر ۱۹۱۷) اولین سازمان صهیونیستی ایران با نام «انجمن تقویت زبان عبری» تأسیس شد که اندکی بعد «انجمن صیونیت ایران» نام گرفت. یهودیان دماوند در این سازمان نقش برجسته داشتند و عزیزالله یوحنا دماوندی (راب نعیم) منشی آن بود. بر بنیاد «یهودیان مخفی» دماوند در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی بایی‌گری و بهائی‌گری در این خطه گسترش فراوان یافت. میرزا نبی دماوندی از بایبانی بود که در جریان ترور نافرجام ناصرالدین‌شاه اعدام شد.

دوئیم عامل که توجه خاص فرقه‌های رازآمیز و شیطانی به دماوند را توضیح می‌دهد، شکل این قله عظیم است. دماوند را تنها کوه مخروط مثلث نمای بزرگ در میان کوه‌های جهان می‌دانند که از این منظر می‌تواند بزرگ‌ترین نماد طبیعی ابلیسک شمرده شود. ابلیسک *Obelisk*، که در فراماسونری و نحله‌های رازآمیز و شیطانی سخت مورد تکریم است، نماد مقدس پاگانسیم در مصر باستان است و مظهر آلت تناسلی مذکر به معنای حلول یا دخول شیطان در کالبد انسان یا تسلیم روح خود به شیطان و اخذ نیرو از او؛ آن‌گونه که در نمایشنامه «دکتر فائوستوس» کریستوفر مارلو** یا «فائوست» گوته به تصویر کشیده شده و در سال‌های اخیر به وفور در فیلم‌های سینمایی، به شکل حلول مستقیم شیطان در جسم انسان یا باروری انسان از شیطان یا موجودات فضایی، ترویج می‌شود.

این همان نماد کهن شیطان در صحرای عرفات (۲۱ کیلومتری شمال مکه) است که هر ساله توسط میلیون‌ها زائر خانه خدا در مناسک «رمی جمرات» در سه نوبت سنگ باران می‌شود. در سال‌های اخیر، حکومت سعودی این سه نماد باستانی را، که نه تنها از نظر مناسک اسلامی بلکه از نظر تاریخ ادیان و اسطوره‌شناسی نیز واجد اهمیت منحصربه‌فرد است، برداشت و به جایش دیواری ساده گذارد. با این تغییر، که قطعاً تصادفی نبود، «رمی شیطان» از غنی‌ترین نماد براهت انسان از شیطان تهی شد. در فضایی نماد ابلیسک از مناسک حج حذف می‌شود که سیر نورمن فاستر (لرد فاستر تمس بنک)، معمار بزرگ انگلیسی و ماسون بلندپایه که بازسازی مکه به دست اوست، در سراسر جهان نمادهای ابلیسک یا به تعبیر دیگر «هرم‌های ایلومیناتی»*** به پا می‌کند.

عجیب است، ولی باور کنید، که نمادهای ابلیسک به وفور در معماری ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی در ایران به کار گرفته شده. در معماری اسلامی ابلیسک (نماد شیطان) وجود ندارد. نمی‌دانم چرا رئیس وقت مجلس متوجه این امر نشد و به معمار طرف قرارداد با مجلس تذکر نداد.



تصویر به بند کشیدن ضحاک در کوه دماوند به دست فریدون در شاهنامه بایسنقری



نماد ماسونی ابلیسک در شهر واشنگتن که به عنوان یادمان جرج واشنگتن، پدر دولت آمریکا، به دست معماران ماسون ساخته شد.
این نماد با ۱۶۹/۲۹۴ متر ارتفاع بلندترین ابلیسک ساخته بشر است. در سال ۱۸۸۴ نصب شد.



یکی از نمادهای ابلیسک مصر باستان
المطریه (شمال قاهره، نزدیک عین شمس)



نماد کهن ابلیسک در مناسک رمی جمرات (سنگباران شیطان)



دیواری که جایگزین نماد کهن ابلیسک شده است



نمادهای ابلیسک در ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی

بارزترین نماد ابلیسک در تهران ساختمان مؤسسه قرض الحسنه قوامین در میدان آرژانتین است. این ساختمان زشت، که توجه همگان را به خود جلب می‌کند، علاوه بر ارائه نمای یک ابلیسک عظیم در یکی از پرترددترین مناطق

تهران، و مشرف بر مصلاى بزرگ تهران، با رنگ قرمز نیز تزئین شده. این رنگ در مناسک شیطان‌پرستان کاربرد دارد. ساختمان قوامین در حوالی نیمه دهه ۱۳۷۰ به یک نهاد امنیتی تعلق داشت و «صندوق قرض‌الحسنه امین» نامیده می‌شد که از مؤسسات مقتدر مالی کشور بود.

بعدها، ساختمان فوق به مؤسسه قرض‌الحسنه قوامین فروخته شد. به‌رغم این تغییر، در آذر ۱۳۸۶ مؤسسه قوامین در تبلیغات خود اقدام به استفاده از عدد ۶۶۶ (نماد شیطان) نمود. این امر اعتراضاتی را سبب شد که منجر به مداخله رئیس‌جمهور و جلوگیری از پخش تبلیغات مؤسسه فوق از تلویزیون شد. در مراجعه به «گوگل ارث» متوجه شدم که در عکس هوایی از تهران ساختمان فوق با رنگ قرمز به شکلی چشمگیر متمایز است.



عکس هوایی «گوگل ارث» از ابلیسک قرمز رنگ میدان آرژانتین مشرف بر مصلاى بزرگ تهران



ماکت ابلیسک میدان آرژانتین، مشرف بر مصلاى تهران

صفحه اصلی نقشه سایت تماس با ما

موسسه مالی اعتباری قوامین



طراحی سایت، آماده روایه همس



نام حوزه: تهران
 نام سرپرست حوزه: بهروز محمدزاده
 کد حوزه: 1
 تلفن: 3-88528371
 شماره: 88528370
 آدرس شعبه: آرژانتین-ابتدای بلوار بهقی-روبروی بوم
 گاز-خ 16 شرقی-ب 19



تهران

- ← اخبار
- ← درباره موسسه
- ← امور داخلی
- ← روابط عمومی
- ← خدمات
- ← نصب
- ← آموزش

عدد 666 در تبلیغات قوامین!

از طریق هماهنگی با حوزه بازرگانی صدا و سیما از ادامه پخش تیزر تبلیغاتی صندوق قرض الحسنه قوامین جلوگیری شده است.

بالتازات نوشت: در پی دستور رئیس جمهور به وزیر اطلاعات مبنی بر بررسی خبر استفاده از عدد 666 در تبلیغات تلویزیونی صندوق قرض الحسنه قوامین موضوع توسط این نهاد امنیتی کشور، پیگیری و بلافاصله دستور عدم پخش این تیزر تبلیغاتی صادر شد.

بنا بر این گزارش، وزارت اطلاعات در خصوص نحوه پیگیری موضوع اعلام کرد: از طریق هماهنگی با حوزه بازرگانی صدا و سیما از ادامه پخش تیزر تبلیغاتی صندوق قرض الحسنه قوامین جلوگیری شده است.

در تبلیغات غرب علیه جمهوری اسلامی پس از محور شرارت خواندن ایران توسط بوش، در برخی فیلم ها ایران را با عدد 666 که عدد و نماد شیطان از نظر غربی هاست نشان می دهد.

<http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=31004>

توضیح مهم: این یادداشت برگرفته از بخشی از پژوهش های منتشر نشده نگارنده است در زمینه نمادهای شیطانی. همواره، از جمله در مقدمه جلد اول زرسالاران، به پرهیز از سطحی نگری توصیه کرده ام. در آنجا نوشتیم: کتاب من نباید سبب شود که هر جدیدالاسلامی را «یهودی مخفی» بپنداریم؛ و از میان صحابه ای که در رکاب پیامبر اکرم (ص) به شهادت رسیدند مخیریق و اسود راعی را مثال زدیم که هر دو کلیمی نومسلمان بودند. در اینجا نیز تأکید می کنم که یادداشت فوق نباید توهمین به کوه دماوند، به عنوان یکی از زیباترین نمادهای ایران زمین، یا به مردم شریف و مسلمان آن سامان، تلقی شود. درباره سایر مناطق ایران نیز چنین کاوش هایی انجام داده ام از جمله درباره اصفهان و شیراز که زادگاه و موطن من است. اگر قرار باشد تنها به صرف تعلق به یک منطقه کسانی مورد اتهام قرار گیرند، این اتهام می تواند متوجه من نیز باشد زیرا در زمان انقلاب مشروطه، طبق آمار «آلیانس اسرائیلی»، یک دهم از جمعیت پنجاه هزار نفری شهر شیراز یهودیان بودند. درباره تکاپوهای اولیه کانون های استعماری در شیراز پژوهشی انجام داده ام که منتشر خواهد شد.

* مهاجرت وسیع یهودیان به ایران در دوران شاه صفی اول بدانجا رسید که شاه عباس دوم، به تحریک وزیرش محمد بیگ، فرمانی صادر کرد که طبق آن کلیه یهودیان اصفهان و سراسر ایران باید به اسلام بگردند. این در حالی است که وی رویه ای باز و تسامح آمیز نسبت به مسیحیان داشت. در نتیجه این فرمان، گروه کثیری از یهودیان، که رقم ایشان یکصد هزار نفر ذکر می شود، ظاهراً به اسلام گرویدند ولی، به نوشته راجر سیوری، «مخفیانه» به دین یهود وفادار ماندند. (راجر سیوری، «عباس دوم»، ایرانیکا)

** کریستوفر مارلو (۱۵۶۴-۱۵۹۳) از مأموران اطلاعاتی ایتلیجنس سرویس انگلیس در عصر الیزابت اول بود. این سازمان را سر فرانسویس والسینگهام اداره می کرد که به عنوان اولین رئیس سرویس اطلاعاتی انگلیس شناخته می شود. مارلو شاعر و ادیبی نامدار و نویسنده نمایشنامه های معروف دکتر فائوستوس و تیمور لنگ است. مارلو فارغ التحصیل کالج کریستی دانشگاه کمبریج است. او از همان دوران تحصیل و اقامت در کمبریج با سازمان اطلاعاتی الیزابت همکاری می کرد و به جاسوسی در میان مدرسین و طلاب، برای کشف کاتولیک ها، اشتغال داشت. در دهه

۱۵۸۰، به دلیل پیگردهای خونین دربار الیزابت علیه کاتولیک‌ها، طلاب کاتولیک انگلیس به فرانسه می‌گریختند و گروهی از ایشان درواقع مأموران اطلاعاتی بودند که اهداف جاسوسی را دنبال می‌کردند. مارلو نیز در چنین مأموریت‌های مخفی شرکت داشت. او سرانجام در جریان یک ماجرای مشکوک، که چگونگی آن روشن نیست، به قتل رسید. دو تن از همراهان او در این ماجرا، رابرت پولی و اینگرام فریزر، مانند مارلو جاسوس والسینگهام بودند و نفر سوم (نیکلاس اسکرس) گویا جاسوس دوجانبه بود. توماس کید، دوست و هم‌خانه‌ای کریستوفر مارلو، در دو فقره از نامه‌های مارلو را «ملحد» خوانده و یکی دیگر از دوستان مارلو در نامه‌ای او را «ملحد» و «همجنس‌باز» نامیده است. دکتر فائوستوس داستان زندگی فردی است که در ازای ثروت و قدرت زندگی خود را به شیطان می‌فروشد و این شاید تجلی آرزوهای نهفته خود مارلو باشد. نمایشنامه تیمور لنگ مارلو مضمونی ضد اسلامی دارد. در این نمایشنامه تیمور چوپان‌زاده دلوری است که بر اثر نبوغ خود به اوج اقتدار و شهرت رسید. به‌نوشته مرحوم دکتر عبدالحسین نوائی، «آنچه از این نمایشنامه مستفاد می‌شود نفرت و وحشت اروپای مسیحی و بی‌اطلاع است از دیانت اسلام». مارلو، بدون توجه به مسلمان بودن تیمور، ادعا می‌کند که تیمور «قرآن ترکی و نوشته‌های خرافی را که در معبد محمد یافته بود» سوزانید؛ بایزید و همسرش در اسارت تیمور از ترس از اسلام برگشتند و زمانی که تیمور وارد «پرسپولیس» شد ارابه جنگی او را عده‌ای از شاهان آسیا می‌کشیدند!

*** Illuminati

ایلومیناتی، جمع «ایلومیناتوس» Illuminatus لاتین به معنی «منور» و «نورانی» و «روشن بین»، به معنی کسی که دارای نورانیت و خرد فوق طبیعی است. نام فرقه‌ای رازآمیز است که یک کشیش سابق یسوعی به‌نام آدام ویسه‌اوپت در سده هیجدهم (۱۷۷۶) در باواریا ایجاد کرد. طریقت مخفی ایلومیناتی در سرزمین‌های آلمانی‌نشین توسعه فراوان یافت و شاخه‌های آن در فرانسه و بلژیک و هلند و دانمارک و سوئد و لهستان و مجارستان تأسیس شد. فعالیت این فرقه به‌طور عمده علیه کلیسای رم بود و به این دلیل در میان کاتولیک‌ها به شدت منفور است. در دوران اخیر، آلیستر کرولی، متفکر برجسته شیطان‌پرست، این طریقت را تجدید سازمان داد. کرولی را پدر نامشروع باربارا بوش (مادر بزرگ جرج بوش) می‌دانند. برخی محققین «ایلومیناتی» را فراتر از فراماسونری و فرقه‌ای می‌دانند که بلندپایه‌ترین و قدرتمندترین گردانندگان جهان امروز، از جمله سِر وینستون چرچیل، عضو آن بوده‌اند. به عبارت دیگر، «ایلومیناتی» آئینی مخفی و رازآمیز است با مناسک به‌غایت پنهان و شیطان‌پرستانه که قدرتمندان عضو «گروه بیلدربرگ» بدان تعلق دارند.

یادداشت دوّم:

«دروازه قرآن» و نمادهای اَبلیسک در شیراز

۱- در یادداشت پیشین درباره نماد اَبلیسک Obelisk و جایگاه «مقدس» آن در فرقه‌های شیطانی، از جمله فراماسونری، سخن گفتم. اشاره کردم که اَبلیسک نمادی است از آلت تناسلی شیطان به معنای دخول شیطان در کالبد انسان یا تسلیم روح خود به شیطان. به این دلیل، از دوران کهن اَبلیسک «آلت تناسلی بعل» Shaft of Baal نیز خوانده می‌شد. «بعل»، به معنی «استاد» و «اریاب»، خدای کهن ادیان غیرابراهیمی در تمدن‌های شرق مدیترانه و بین‌النهرین بود. این همان «خدایی» است که در تمدن‌های گوناگون اسامی گوناگون به خود گرفته، مانند مردوخ و نمرود و داگان و اوزیریس و غیره، و در ادیان ابراهیمی «شیطان» خوانده می‌شود. در تمامی فرقه‌های شیطانی معاصر، مانند ایلومیناتی و فراماسونری، این «خدا» با نام «لوسیفر» مورد پرستش است. نمادهای «لوسیفر»، از جمله اَبلیسک، از گذشته کهن تا به امروز بلا تغییر مانده است.

در مسیحیت نام «بعل» به عنوان مترادف «شیطان» به کار می‌رفت. و گفتیم که این همان نماد شیطان است که در مراسم حج توسط میلیون‌ها زائر سنگباران می‌شد و در سال‌های اخیر حکومت سعودی آن را حذف کرد و به جایش دیواری ساده گذارد. این حذف به دلیل نقش لرد فاستر (سیر نورمن فاستر)، معمار و ماسون نامدار، در بازسازی مکه است.





نقشی از آنتونیوس پیوس، امپراتور روم، که نماد ابلیسک یا «آلت بعل» به شکل آلت تناسلی نشان داده شده (امپراتوران روم خود را از تبار خدایان می دانستند)

۲- در یادداشت پیشین دو نمونه از کاربرد «ابلیسک» را در معماری ساختمان جدید مجلس و ساختمان مؤسسه مالی و اعتباری قوامین، واقع در میدان آرژانتین و مشرف بر مصلای تهران، نشان دادم. در روزهای اخیر با دو نمونه عجیب در شیراز آشنا شدم.

شیراز از دیرباز دارای مدخلی مقدس بود که این شهر را از سایر شهرهای ایران متمایز می کرد. این مدخل «دروازه قرآن» نام دارد که در بلندی، در «تنگ الله اکبر»، واقع بوده و به طور کامل بر شهر مُشرف است. بنای فوق در زمان حکومت شیعی عضدالدوله دیلمی در دروازه شمالی شیراز (راه شیراز به اصفهان) احداث گردید و قرآنی در آن جای داده شد تا مسافران با گذر از زیر آن متبرک شوند. بعدها، کریم خان زند این دروازه را بازسازی کرد و دو جلد قرآن بزرگ نفیس، به خط سلطان ابراهیم بن شاهرخ تیموری، در اتاقک بالای آن جای داد. این قرآن‌ها، که به «قرآن هفده من» معروف‌اند، گویا اکنون از دروازه قرآن به موزه پارس انتقال یافته است. زائران بقاع مقدسه شیراز، به ویژه حرم مطهر حضرت احمد بن موسی شاه چراغ (س)، پسر ارشد امام موسی کاظم (ع) و برادر بزرگ امام رضا (ع)، همواره فراوان بوده‌اند و آنان که از سمت شمال وارد شیراز می شدند در این مکان اولین زیارت‌نامه خود را می خواندند.

معهدا، در شیراز بنایی دیگر وجود دارد که از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی این شهر را به یکی از زیارتگاه‌های اصلی فرقه بابی- بهایی بدل ساخته است: خانه علی محمد باب بنیانگذار بابیه در کوچه شمشیرگرها. در دوران متأخر قاجاریه و دوران پهلوی، زائران بابی- بهائی که از دروازه قرآن وارد شیراز می شدند اندک نبودند. اینان نیز، به ناچار، از همان دروازه قرآن مناسک خود را آغاز می کردند. مطلعین محلی می گویند امروزه نیز زوار بابی- بهائی کم نیستند؛ اینان در دروازه قرآن زیارت‌نامه می خوانند و مناسک خود را آغاز می کنند.

در دو دهه اخیر در دروازه شمالی شیراز تغییراتی انجام گرفته. در پی این تغییرات، دروازه قرآن کارکرد دینی دیرین خود را از دست داده و به یادمانی صرفاً تاریخی- نمایشی بدل شده. بزرگراه شیراز به اصفهان از کنار این دروازه می گذرد نه از زیر آن. به عبارت دیگر، برخلاف گذشته، گذر از زیر دروازه قرآن زائران و مسافران را متبرک نمی کند. در بازسازی جاده «تنگ

الله اکبر»، محل وقوع دروازه قرآن، تمهیدی برای حفظ سنت کهن شیعی دروازه قرآن، آن گونه که آل بویه اندیشید و بنیاد نهاد، اندیشیده نشده. این درست است که احداث بزرگراه در زیر دروازه قرآن ممکن نبود، و به آن آسیب می‌رسانید، ولی یافتن راهکاری برای حفظ این سنت دینی ممکن بود. می‌شد دروازه‌های بزرگ‌تر، در محلی دورتر، احداث کرد که همان سنت را با بزرگراه‌های جدید انطباق دهد. چگونه ممکن است با هزینه‌های سنگین در همین منطقه نمادهای ابلیسک ساخت، چنان که در سطور بعد خواهیم دید، ولی تمهیدی برای حفظ سنت «دروازه قرآن» نیندیشید؟

در سال‌های اخیر، در دو سوی بنای کهن دروازه قرآن دو بنای جدید احداث شده که به کلی این نماد کهن اسلامی را تحت‌الشعاع خود قرار داده. در مدخل کنونی شیراز، در فاصله‌ای اندک در شمال دروازه قرآن که اکنون پلیس راه شیراز- اصفهان واقع است، سه نماد ابلیسک احداث شده. ابلیسک‌های سه‌گانه فوق بسیار شبیه به «برج روسیه» *Russia Tower* است.

«راشیا تاور» را همان لرد فاستر تیمس بنک (سِر نورمن فاستر)، معمار و ماسون بلندپایه، در «مرکز تجارت جهانی» مسکو، می‌سازد؛ همو که بازسازی مکه را به دست گرفته و نمادهای سه‌گانه ابلیسک را از مناسک «رمی جمرات» (سنگباران شیطان) در حج حذف کرده است. بنای راشیا تاور در سپتامبر ۲۰۰۷ با دو میلیارد دلار بودجه آغاز شده و در سال ۲۰۱۲ به پایان می‌رسد. راشیا تاور ۶۴۸ متر ارتفاع دارد و بلندترین برج دنیا خواهد شد. زبان فرقه‌های رازآمیز و شیطانی زبان نمادها و اعداد است. در این زبان، سال ۲۰۱۲ سالی خاص و «مقدس» است. آنان معتقدند که در ساعتی معین از روزی معین از سالی معین (ساعت ۱۱:۱۱ صبح ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲) «نظم نوین دنیوی» *Novus ordo seclorum* آغاز خواهد شد.

ابلیسک‌های سه‌گانه مدخل کنونی شیراز کپی کامل «راشیا تاور» لرد فاستر است در حدی که ماکتی از آن جلوه می‌کند. به تصاویر زیر بنگرید:



ابلیسک «راشیا تاور» (برج روسیه) لرد فاستر در «مرکز تجارت جهانی» مسکو
ابلیسک‌های سه‌گانه شیراز ماکتی از آن است.



ابلیسک های سه گانه مدخل کنونی شیراز (شمال دروازه قرآن)

در سال‌های اخیر، بهائیان با خرید یا ساخت خانه و مغازه در حد فاصل ابلیسک‌های فوق تا دروازه قرآن عملاً کلنی‌های بسته‌ای را در این منطقه تشکیل داده‌اند.

ماجرا تمام نشده. در جنوب دروازه قرآن بنای عظیم و عجیب دیگری در دست احداث است به نام «هتل بزرگ شیراز». این هتل بر صخره‌ای عظیم بنا می‌شود و به کلی دروازه قرآن را تحت‌الشعاع نمای حجیم و زشت خود قرار داده است. احداث این بنا، به عنوان هتل، بر صخره سنگی فاقد توجیه اقتصادی است زیرا هزینه گزافی می‌طلبد؛ و از نظر اصول شهرسازی و معماری نیز فاقد هر گونه توجیه است. این یک اصل مسلم در شهرسازی است که بافت تاریخی شهر دست‌نخورده بماند و بناهای جدید، به‌ویژه با معماری چشمگیر، بناهای تاریخی را حقیر و کوچک نکند. یک نمونه مخالفت یونسکو با احداث برج مشرف بر میدان نقش جهان (میدان امام خمینی) در اصفهان است. به‌رغم این، نه یونسکو به احداث «هتل بزرگ شیراز» اعتراض کرد نه مقامات محلی با آن مخالفت کردند. احداث این بنا، اگر صرفاً از منظر شهرسازی نیز بنگریم، لطمه بزرگی است بر بافت تاریخی شهر شیراز.

اقدام فوق بسیار شبیه است به اقدام لرد فاستر در احداث برج‌های بزرگ موسوم به «ابراج البیت» Abraj- al- Bait بر فراز کعبه؛ که ساختمان مقدس‌ترین مکان اسلامی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. مسلمانان فهمیم این برج‌های تجاری را، که سرشار از نمادهای شیطانی و ماسونی است، «شاخ‌های شیطان» نام نهاده‌اند.

در بررسی نمای خارجی «هتل بزرگ شیراز» روشن می‌شود که قسمت فوقانی ساختمان فوق یک هرم ناتمام است. ابلیسکی که هرم آن ناتمام است در نمادهای شیطانی- ماسونی دارای معنایی معین است: «ما سهم خود را انجام داده‌ایم و با ظهور لوسیفر (ناجی بزرگ) هرم کامل خواهد شد.» ابلیسک ناتمام همان نمادی است که بر اسکناس‌های دلار ایالات متحده آمریکا نقش شده است. بر بالای این نماد، که «مهر بزرگ» Great Seal نام دارد، به لاتین نوشته شده: Annuit cœptis (او از اعمال ما راضی است). در این جمله، ضمیر «او» به لوسیفر یا «خدای» طریقت‌های شیطانی بازمی‌گردد؛ که از دیدگاه ایشان سرچشمه «نور» است. و در پائین نوشته شده: Novus ordo seclorum (نظم نوین دنیوی).

هرم ناتمام مندرج در «مهر بزرگ» دارای ۱۳ طبقه است و در نمای بیرونی «هتل بزرگ شیراز» نیز ۱۳ رده یا طبقه مشاهده می‌شود.

اعداد ۳، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۳۳ و ۳۹ در فرقه‌های رازآمیز اعداد مقدس‌اند. عدد ۱۰ عدد الهی به‌شمار می‌رود و از دید آنان منفور است. انفجار برج‌های دوقلو در نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۱۱ / ۹ / ۱) صورت گرفت. انفجار مادرید ۹۱۱ روز بعد از انفجار نیویورک انجام گرفت. ویژگی عدد ۱-۱-۹ این است که می‌توان بدون عبور از عدد ۱۰ به عدد ۱۱ رسید. مهندس حسین امانت، معمار نامدار بهائی که ساختمان بیت‌العدل اعظم الهی در حیفا از اوست، در بنای میدان شهیاد (آزادی) عدد ۹ را فراوان به کار برده است. عدد ۹ در میان بهائیان نیز مقدس است زیرا بهائیان فرقه خود را نهمین آئین از سلسله ادیان موجود می‌دانند. طریقت کهن اسکاتی، که بلندپایه‌ترین و رازآمیزترین طریقت ماسونی به‌شمار می‌رود و در تحولات مهم جهانی نقش بزرگ داشته، و بنیانگذاران دولت آمریکا مانند جرج واشنگتن از این طریقت بودند، دارای ۳۳ درجه است. در سوی دیگر «مهر بزرگ» آمریکا عقاب منقوش است که دم او دارای ۹ پر است، ۱۳ پیکان در یک چنگال و ۱۳ برگ زیتون در چنگال دیگر گرفته و ۱۳ ستاره بر فراز سر اوست.



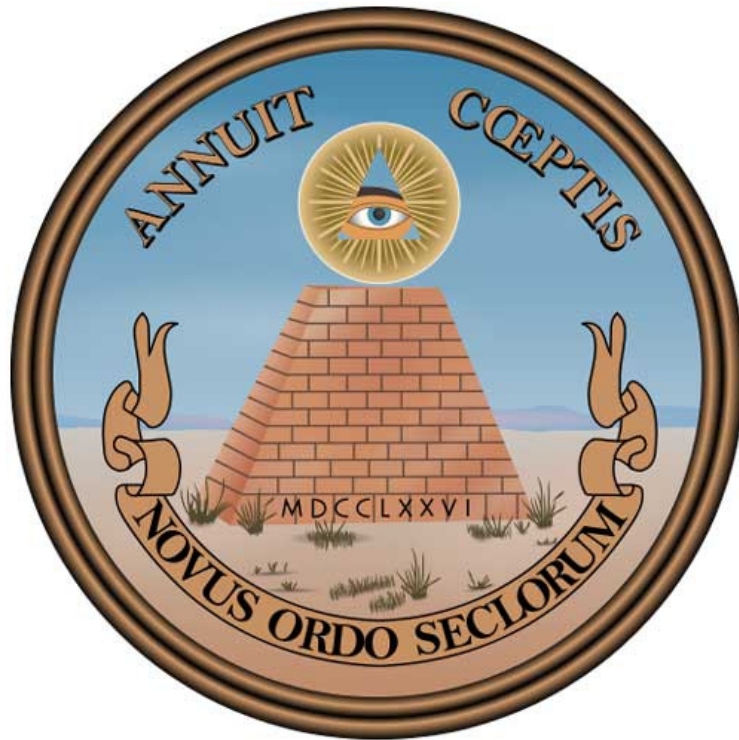


دروازه قرآن که امروزه به نمادی مهجور و نمایشی بدل شده
و تحت الشعاع ساختمان عظیم «هتل بزرگ شیراز» قرار گرفته





ساختمان «هتل بزرگ شیراز» که قسمت فوقانی آن به شکل هرم ناتمام است
آن گونه که در «مهر بزرگ» آمریکا مشاهده می شود.



هرم ناتمام (یک سوی «مهر بزرگ»)



سوی دیگر «مهر بزرگ»

در این نماد اعداد زیر مورد استفاده قرار گرفته است :

دم دارای ۹ پراست. عقاب ۱۳ پیکان در یک چنگال و ۱۳ برگ زیتون در چنگال دیگر دارد. ۱۳ ستاره بر فراز سر اوست که در حلقه اولیه ۶ گوشه (نماد ستاره داوود) و در حلقه خارجی ۱۹ گوشه از ابر محصور است. هر بال عقاب دارای ۳۳ پر است.



برج‌های تجاری مکه (ابراج البیت)، که در واقع باید «شاخ‌های شیطان» خوانده شود، سرشار از نمادهای ماسونی بنای کعبه را به محاصره گرفته، کار **لرد فاستر**، معمار و ماسون نامدار، و «**مجتمع بن لادن**»



در سال ۲۰۱۲، که از دیدگاه فرقه‌های شیطانی شروع «نظم نوین دنیوی» است ساختمان "ابراج البیت" به پایان می‌رسد و کعبه چنین در سایه نمادهای شیطانی قرار خواهد گرفت.



سر نورمن فاستر (لرد فاستر تیمس بنک)، معمار نامدار و ماسون بلندپایه

«هتل بزرگ شیراز» در زمینی احداث شده که تا زمان انقلاب در مالکیت عبدالحسین دهقان، ماسون بلندپایه و از سران فرقه بهائی، بود و پس از آن مصادره شد. عبدالحسین دهقان و برادرش همدم دوران نوجوانی شوقی افندی، رهبر پیشین فرقه بهائی، بودند و در شیراز عبدالحسین دهقان تولید موقوفات بهائیان را به دست داشت. در دوران پهلوی، چون امروز، به دلیل غیرقانونی بودن فرقه بهائی، موقوفات این فرقه به عنوان ملک خصوصی افرادی ثبت می‌شد که «امین بیت‌العدل» بودند. املاک و باغات پهناور عبدالحسین دهقان در فارس از این‌گونه موقوفات بود. در سال‌های اخیر وکیل دهقان از آمریکا به ایران مراجعت کرده و بخشی از این اموال را پس گرفته است. با شناخت افراد ذینفوذی که با حمایت و تلاش فراوان بخشی از املاک مصادره شده عبدالحسین دهقان، و نیز املاک دکتر ذبیح قربان (بهائی و ماسون بلندپایه)، را بازگردانیدند، یا هم‌اکنون برای بازگردانیدن آن تلاش می‌کنند، می‌توان چهره‌های متنفذ فرقه‌های شیطنی در ایران امروز را شناخت. برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام راحل، این شناخت از اهمیت بنیادین برخوردار است.

زیرنویس: در کتاب «زمین و انباشت ثروت: تکوین الیگارشی جدید در ایران امروز» درباره خاندان دهقان چنین آمده است:

میرزا محمدباقر خان، نیای خاندان دهقان، پیشکار محمدرضا خان و حبیب‌الله خان و ابراهیم خان قوام‌الملک، از سران بهائیان فارس و عامل این سه قوام‌الملک در جنگ‌ها و سرکوب‌های بزرگ بود. برای نمونه، در ربیع‌الاول ۱۳۲۱ ق. / ژوئن ۱۹۰۳ م. مأمور سرکوب حاج علیقلی خان، نایب‌الحکومه لارستان، شد و در رأس قشون مفصلی «با سرباز و سوار و توپ» به لارستان رفت. علیقلی خان لاری در قلعه گراش پناه گرفت و میرزا محمدباقر خان دهقان قلعه لار را تصرف کرد. «تجار لاری تلگرافات زیاد به تهران کرده‌اند که ما حاجی علیقلی خان را می‌خواهیم و به ما کمال مهربانی و محبت را دارد، محض این که قوام‌الملک به مشارالیه بد است می‌خواهد او و ما را تمام نماید.»

میرزا محمدباقر دومین پسر حاج ابوالحسن بزاز شیرازی (متوفی ۱۳۲۰ ق.) است. برادر ارشد، که او نیز از سران بهائی فارس بود، میرزا محمدعلی خان نام داشت. زن حاج ابوالحسن بزاز از خویشان نزدیک شیخ ابوتراب، امام جمعه شیراز، بود... شیخ یحیی امام جمعه پسر این شیخ ابوتراب است. پس از شیخ یحیی پسرش، معین‌الشریعه، امام جمعه شیراز شد. این زن مادر میرزا محمدعلی خان و میرزا محمدباقر خان دهقان است. میرزا محمدباقر دهقان بسیار مقتدر و ثروتمند شد. او به دفعات برای دیدن عباس افندی به فلسطین و آمریکا رفت. پسران میرزا محمدباقر، میرزا عبدالحسین خان و میرزا عبدالعلی خان دهقان، از سران بهائیان فارس و ایران بودند. تصویر آنان در کودکی، به همراه شوقی افندی، گویای جایگاه رفیع ایشان در فرقه بهائی است.



عبدالحسین دهقان و برادرش (ایستاده) و شوقی افندی (نشسته)

در دهه پایانی سلطنت پهلوی، عبدالحسین دهقان، در کنار عزیزالله خان قوامی و ایرج مهرزاد (مالک اراضی کفترک در شمال شرقی شهر شیراز)، به عنوان یکی از سه متمول و زمین دار بزرگ شیراز شناخته می‌شد. دهقان مالک روستای کشن و اراضی فراوان دیگر در محدوده و پیرامون شهر شیراز، از جمله در کوه باباکوهی و دروازه قرآن، بود. خانه مسکونی‌اش در ضلع شمال شرقی فلکه ستاد (روبروی ساختمان استانداری) واقع بود که اکنون در اختیار سپاه پاسداران است. در جنب آن خانه دکتر ذبیح قربان، پسر حاج علیخان آواده‌ای از سران فرقه بهائی فارس، قرار داشت که اکنون دفتر امام جمعه شیراز است. عبدالحسین دهقان و دکتر ذبیح قربان (رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی و رئیس بیمارستان نمازی) از ماسون‌های بلندپایه ایران و دوست نزدیک بودند. دکتر لطفعلی صورتگر نیز ماسون بلندپایه و دوست این دو بود. دکتر ذبیح قربان (متولد ۱۲۸۴ ش. در آواده)، اولین رئیس دانشگاه شیراز، در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۷/ تیر ۱۳۸۵ در آمریکا فوت کرد و ماسون بلندپایه دیگر، دکتر فرهنگ مهر (آخرین رئیس دانشگاه پهلوی در زمان شاه)، در سوگ او یادداشتی منتشر نمود... از سال‌های ۱۳۲۰ ابتدا محمد نمازی و مظفر خان فرخ و سپس دکتر ذبیح قربان و عبدالحسین دهقان گردانندگان تشکیلات ماسونی شیراز بودند. عکس محمد نمازی و مظفر خانفرخ (ارفع السلطنه) و گروهی دیگر در لباس ماسونی موجود است.



سه برادر فراماسون : الیاس دبی یهودی عرب- دکتر خان فرخ استاد دانشگاه- محمد نمازی بازرگان فارسی

محمد نمازی و الیاس دبی (یهودی) و مظفر خانفرخ (یهودی) در کسوت ماسونی



رؤساء لژ روشنائی در ایران در سال ۱۹۵۰ - در این تصویر شناخته شده ها ، نشسته از راست به چپ ، صالح چتایات - ادوارد چتایات - نفر چهارم الیاس دبیر استاد اعظم - کریمتوف فری - درویش دوم ایستاده از چپ به راست ، نقر دوم - او انسیف مدیر سیستم احاطا - محمد نمازی - ارفع السلطنه خان فرخ

محمد نمازی، خانفرخ و سایر اعضای لژ ماسونی
 استاد لژ (الیاس دبیر) نشسته بر صندلی مخصوص



دکتر ذبیح قربان (بهائی و ماسون بلندپایه) در کسوت ماسونی
پسر حاج علیخان آواده‌ای کدخدای قدرتمند بهائی که رفتار قساوت آمیز او با مسلمانان آواده معروف است.

ذبیح قربان، چون محمد نمازی، از سال‌ها پیش ماسون شده و در سال ۱۳۳۳ ش. به درجه استادی رسیده بود. سایر بلندپایگان ماسون شیراز عبارت بودند از: دکتر تمدن فرزانه، عزیزالله خان قوامی (پسر ابوالقاسم خان نصیرالملک، مالک روستای صیدون و باغ ناری شیراز و املاک مفصل دیگر)، دکتر لطفعلی صورتگر، حبیب‌الله خمسی، علی محمد دهقان، مارتیروس سرکیس، دکتر امیرقلی فرهمندفر، علی اکبر خلیلی شیرازی و محمدقلی خان قوامی (مالک سعادت آباد). مظفر خانفرخ، که پدر و مادرش از یهودیان همدان بودند، و مارتیروس سرکیس، مأمور سرویس اطلاعاتی بریتانیا در شیراز، را در کتاب «زمین و انباشت ثروت: تکوین الیگارشی جدید در ایران» معرفی کرده‌ام.

یادداشت سوّم درباره نمادهای شیطانی

انتشار دو یادداشت پیشین درباره نمادهای شیطانی واکنش قابل توجه داشت. برخی خوانندگان مطالب مفیدی ارسال کردند که می‌تواند به عنوان مکمل یادداشت‌های فوق اطلاعات ما را در این حوزه غنی‌تر کند. خواننده محترمی که مهندس ساختمان و هم‌اکنون مقیم خارج از ایران است نوشته‌اند:

«شهرداری تهران برای ساختمان‌های بلندمرتبه مدل هرمی را اجباری کرده بود. من مدتی است ایران نیستم و خبر از وضعیت کنونی ندارم. این روش به نظر ما که مهندس ساختمان هستیم خیلی عجیب و غیر منطقی می‌آید؛ چون هر بسازوبفروشی در فکر حداکثر استفاده از زیربنای مجاز است بنابراین حتماً قصد ساخت آخرین طبقات را می‌کند. از آنجایی که در هر ساختمان کمی بزرگ مسلماً ستون‌ها تا آخرین طبقه باید روی یکدیگر بنا شوند مسلم است اگر شما بعد از چند طبقه بخواهید ساختمان را به صورت هرمی اجرا کنید مجبور به قطع ستون‌ها خواهید شد و از تیرهای کنسول با دهانه‌های بزرگ باید استفاده کنید که این عملاً خیلی خیلی غیرمنطقی و با توجه به این که تهران روی خط گسل زلزله می‌باشد با عرض معذرت احمقانه می‌باشد. این مطلب برای هر مهندس محاسب معمولی عجیب و غیرمعقول است. فکر نمی‌کنید آن "معماران" در شهرسازی تهران نیز بی‌تاثیر نبوده‌اند؟»

خواننده محترم دیگر توجه مرا به ساختمان هتل چمران شیراز جلب کرد که یک «ابلیسک» تمام عیار است. دوست ارجمند دیگر، که فارغ‌التحصیل دانشگاه امام صادق (ع) می‌باشند، تصاویری از مسجد در دست احداث در این دانشگاه را ارسال نمودند. جالب است که این مسجد نام «قدس» را بر خود دارد. دوست دیگر تصاویری از کاشیکاری‌های جدید در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (س) را ارسال نموده‌اند. متن ایمیل ایشان به شرح زیر است:

«مطالب جدید در وب‌گاهتان را اخیراً مطالعه کردم. به خصوص "دروازه قرآن" و نمادهای ابلیسک در شیراز" و "دماوند و فرقه‌های رازآمیز: یهودیان دماوند، فراماسونری و نماد ابلیسک". بدین جهت تصمیم گرفتم عکس‌هایی که حدود هشت ماه پیش از کاشی‌کاری‌های جدید و عجیب حرم شاه عبدالعظیم گرفته‌ام برایتان ارسال کنم. با کمال تعجب به نمونه‌های مشابهی در حرم حضرت امام نیز برخورده‌ام که متأسفانه اکنون عکس‌هایش در اختیارم نیست.»

در رابطه با تصاویر حرم حضرت عبدالعظیم باید این توضیح را بیفزایم که کاربرد نماد Hexagram یا «ستاره شش پر» در معماری قدمت بسیار دارد. در آثار بازمانده از تمدن سومر، هزاره سوّم پیش از میلاد، و نیز در بقایای شهر اور، جنوبی‌ترین شهر سومر و زادگاه و موطن حضرت ابراهیم (ع)، و نیز در بقایای سایر تمدن‌های کهن ستاره شش پر دیده می‌شود. در هنر و معماری اسلامی نیز این نماد کاربرد فراوان داشته و به «خاتم سلیمان» معروف بوده. به این دلیل است که در هنر خاتم‌کاری ایران، تا به امروز، ستاره شش پر به کار می‌رود. کاربرد نماد ستاره شش پر در معماری کهن سرزمین کنونی فلسطین، مثلاً در آثار کهن شهر جلیل، ربطی به قوم یهود ندارد. ظاهراً قدمت کاربرد ستاره شش پر به عنوان نماد «قوم یهود» از قرون وسطی در اروپاست. معهذاً، امروزه که «ستاره شش پر» به عنوان نماد صهیونیسم همه‌گیر شده، کاربرد آن در بازسازی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (س)، آن هم به شکلی چنین درشت و چشمگیر و فاقد ظرافت، قابل تأمل است.

توضیح ضروری: دوست ارجمندی با ارسال ایمیل مرا متوجه اشتباه درباره «مسجد قدس» کردند. در واقع، این مسجد در مجاورت دانشگاه امام صادق (ع) قرار دارد و ربطی به دانشگاه فوق ندارد. متن ایمیل ایشان به شرح زیر است: «از یادداشت مفیدتان سپاسگزارم. بنده نیز دانشجوی دانشگاه امام صادق و ساکن یکی از خیابانهای همان محل هستم. باید عرض کنم مسجد قدس در دانشگاه امام صادق قرار ندارد و فاقد هر گونه رابطه اجرایی و یا مالی با این دانشگاه می‌باشد. این مسجد در سال‌های پیش سوله ای بیش نبود و کمتر از پنج سال است که

ساختمان آن با طرحی مرکب از اضلاع شکسته که به هیچ وجه با معماری متداول مساجد شباهت ندارد ساخته شده است و هنوز به اتمام نرسیده. این مسجد در واقع یکی از مساجد شهرک قدس (موسوم به شهرک غرب) می باشد و به همین دلیل این نام را از پیش از ساخت بنای جدید به همراه دارد. موقعیت جغرافیایی این مسجد نزدیک به دانشگاه امام صادق و در ضلع غربی آن می باشد ولی هیچ ارتباطی به این دانشگاه ندارد و توسط هیات امنایی که برخی از آنها از مسئولین دولتی و پارلمانی نیز هستند اداره می شود. مسجد دانشگاه امام صادق در قسمت مرکزی زمین دانشگاه بنا شده است و با مسجد قدس فاصله زیادی دارد.»

[ضلع شرقی ساختمان هتل چمران شیراز دارای ۱۹ طبقه است. عدد نوزده در فرقه بهائی مقدس است زیرا مدعی اند هسته اولیه بابی گری، یعنی اصحاب علی محمد باب (شیرازی) به همراه خود او، جمعاً ۱۹ تن بودند. در فرقه بهایی ۱۹ «عدد حی» نامیده می شود.

ضلع غربی هتل دارای ۱۷ طبقه است. هفده در فراماسونری عدد مقدس است زیرا اوزیریس، خدای مصر باستان و پدر هوروس خدای خورشید که هر دو در فراماسونری و سایر طریقت های شیطنانی مورد تکریم اند، در روز هفدهم از ماه سوّم تقویم قدیم مصری به قتل رسید.]



ابلیسک هتل چمران (شیراز، بلوار شهید چمران)



کاربرد ابلیسک در بنای مسجد قدس، تهران



کاربرد «ستاره داوود» در بازسازی جدید نمای داخلی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (س)



کاربرد نماد «ستاره داوود» و نماد «صلیب شکسته» (Swastika) در طریقت ماسونی «تئوسوفی» (اوائل قرن بیستم میلادی)